



# زمان و رودخانه

زندگی در مصر باستان

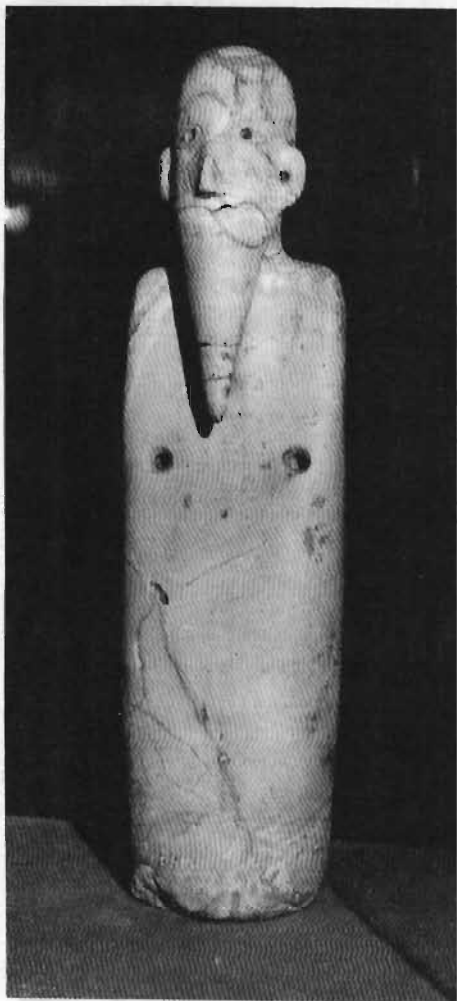
به طغیان سالانه رود نیل

بسته بود

از همیشه به بهره‌برداری از منابع غذایی پرداختند. فرهنگ منطقه، برعکس فرهنگ جوامع روستایی کوچک جدیدتر، یکپارچه بود. انتقال به مرحله تولید غذا در صحرا در نزدیکی آب یا در دره نیل و مصب آن اتفاق افتاد. تاریخهای ۵۰۰۰ - ۷۰۰۰ ق. م برای هر دو فرهنگ منطقه‌ای و روستایی پیشنهاد شده است، که بسیار جدیدتر از تاریخهای پیشنهادی در غرب آسیا است. به علت این که دره نیل شواهد اندکی را در مورد کشاورزی حفظ کرده است، امکان دارد که مرحله تولید غذا زودتر از آن چیزی بوده است که مدارک نشان می‌دهند. دره رود نیل و مصب آن به تدریج برای کشاورزی مورد بهره‌برداری قرار گرفت و جمعیت آن رو به افزایش نهاد. در حدود ۴۰۰۰ ق. م در مصر تنها دو فرهنگ عمده وجود داشت، فرهنگ کهنتر مریمدا در منطقه مصب و بداری مسترکز در اسیوت، در مصر علیا. پیش از سال ۳۱۰۰ ق. م حکومت واحد مصر - نخستین حکومت بزرگ مشکل از یک قوم تشکیل شده بود.

در عصر پلیستوسن، که در حدود ۱۰/۰۰۰ ق. م به پایان رسید، مصر بخشی از صحرای شرقی بود، و ساکنان آن را قبایلی متحرک شکارورز - گردآورنده تشکیل می‌داد. منطقه به اندازه امروز خشک نبود و مناطق فاقد منابع یا خالی از سکنه امروز را تغذیه می‌کرد. نیل که دره و مصب آن به مقدار وسیعی باطلاقی و به عنوان یک منبع معتبر آب از امتیاز خاصی برخوردار بود، حیوانات و مردم را به سوی خود جلب می‌کرد، و گیاهان و ماهیهای آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. حدود ۱۲/۰۰۰ ق. م مردم همچنین به گردآوری گیاهان وحشی، به احتمال برای دانه‌های غلاتی آنها، می‌پرداختند، که تهیه آن نسبت به غذاهای مصرفی دیگر طولانیتر بود. این مسئله نشان می‌دهد که فشار بر منابع غذایی فزونی یافته است. در طول هزاره‌های بعدی صحرا به تدریج خشک شد، و در حدود ۲/۰۰۰ ق. م تقریباً به صورت امروز درآمد. از ۱۰/۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ق. م مردمان دوران سنگ در جاهایی که آب بود گردآمدند، و در صحرا و نزدیک نیل گسترده‌تر

مصر، بدون نیل، که از سرزمینهای مرتفع اسیوبی و آفریقای مرکزی سرچشمه گرفته و به مدیترانه می‌ریزد، تقریباً خشک و لم‌یزرع می‌بود، زیرا بارندگی‌اش ناچیز است. سرزمین مصر از ۳۰۰۰ ق. م تا زمان پیروزی رومیها در ۳۰ ق. م، به یمن وجود رود نیل وسیعترین و ثروتمندترین کشور شرق مدیترانه بود. این برتری بار دیگر در قرون وسطی به دست آمده و مصر تا امروز مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور در خاور نزدیک باقی مانده است. در سراسر این دوران بسیار طولانی یک تداوم واقعی به چشم می‌خورد. در سرتاسر دوران باستان دوام کشور بر ثروت حاصل از کشاورزی، و از این رو بر رود نیل متکی بود. با این حال، کشاورزی پایه اصل معیشت را تشکیل نمی‌داد، اما در دوران پیش از تاریخ با زمین توسعه یافت. رود نیل و دیگر ویژگیهای جغرافیایی، علاوه بر تأثیرگذاری مادی، در رشد سیاسی مؤثر بودند و در عقاید مصری نقش داشتند.



▶ زندگی در مصر باستان به طغیان سالانه رود نیل بسته بود. رود نیل به هنگام طغیان، طغیان سالانه، دره نیل را به نوار سبزی از کشاورزی هم مرز با صحراها مبدل می‌سازد.

تندیس صورتی رنگ از سنگ برشیای (breccia) رگ‌دار از مردی ریشو، به بلندی ۵۰ سانتیمتر، که در دره رود نیل به دست صنعتگری از فرهنگ نقادای اول، که در هزاره چهارم ق. م در دوران مصر ماقبل سلسله‌ها به وجود آمد، ساخته شد.

که محصول آن در اواخر تابستان می‌رسید، از آبهای تحت‌الارضی آبیاری می‌شد و نیازی به آبیاری دیگر نداشت.

معلوم نیست که چه وقت و تا چه حد تنظیم طغیان رودخانه و آبیاری در مقیاس کوچک به آبیاری تمام عیار تبدیل گردید. در دوران سلسله‌های میانی آبیاری حوزہ‌ای که در آن بخشهای بزرگی از دشت سیلابی به صورت تک واحد مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، به طور کامل دایر بود. اما امکان دارد که در دوران سلسله‌های قدیم، هنگامی که اهرام بزرگ ساخته شدند، این شیوه به کار گرفته نمی‌شد.

متون مصری اشاره کمی به آبیاری و تدارک آب دارند و در نتیجه تعیین زمان باب شدن تکنیکهای آبیاری مشکل است. زندگی‌نامه‌های فرمانروایان محلی دوران پسر آمون فترت اول از این امر مستثنی هستند. فرمانروایان مزبور در شرح زندگی خود ادعا می‌کنند که کانال‌کشی کرده و آب را، در حالی که دیگران فاقد آن بودند، به مردم خود رساندند. شاید در زمانهای پر رفاهتر چنان موضوعهایی امتیازی به شمار نمی‌آمدند یا توصیف آن در متون عمومی از اعتبار کافی بی‌بهره بود. تنها منطقه‌ای که پیش از زمان یونانی - رومی، نظام آبیاری عمده‌ای داشت فسیوم، واحه‌ای در کنار دریاچه در غرب رود نیل و جنوب رأس مصب، بود. در اینجا، فراعنه دوران سلسله‌های میانی زمینهای بایر را از طریق نظارت بر سرازیر شدن آب در یک کانال کنار رودخانه و هدایت آن به زمینهای پست در مسیری دور از دریاچه، دایر کردند. از کارهای ساختمانی این کانالها چیزی بر جای نمانده است. طغیان سالانه نیل که به طور کامل قابل اطمینان، و دشت سیلابی و مصب به طرز بی‌مانندی حاصلخیز بود،



## نوشته جان بینس

رشد مصر ادامه یافت و جمعیت آن تا زمان رومیها رو به افزایش نهاد. عوامل مهم در این روند عبارت بودند از اتحاد و استحکام سیاسی، و امکان کشاورزی در زمینهای همیشه حاصلخیز. در این گسترش درونی، مهار کردن رود نیل عامل تعیین کننده بود. کشت غلات پس از طغیان سالانه، که از اوایل مرداد تا اواسط شهریور دره و مصب رود نیل را در بر می‌گرفت، عملی بود. این کشت به حداقل آبیاری نیاز داشت و برداشت آن از اواسط اسفند تا اواسط خرداد انجام می‌گرفت. نظارت بر طغیان آب نیل برای پوشش سطح وسیعتری از زمین و تنظیم دوران طغیان درصد محصول را بالا می‌برد، و در همان حال نشست آهسته رسوب آب رودخانه و زهکشی، زمینهای زراعتی را گسترش می‌داد. سبزیجات در قطعه زمینهای کوچکی انجام می‌گرفت که در تمامی طول سال نیاز به آبیاری از طریق حمل آب به کمک دلو داشت؛ تا سال ۱۵۰۰ ق. م هیچ طرحی برای بالا کشیدن مصنوعی آب به مرحله اجرا در نیامده بود. برخی گیاهان مانند نخل خرما

مصر را از لحاظ کشاورزی به مطمئن‌ترین و حاصلخیزترین سرزمین در منطقه مبدل می‌ساخت، و در صورت ثبات اجازه ذخیره برای سالهای کمیابی را می‌داد. با وجود این، مطلوبیت این وضعیت نسبی بود. نارسایی محصول به علت طغیانهای اندک، از دست دادن جمعیت بر اثر بیماری، و دیگر خطرات، سرعت رشد را محدود می‌کرد و - برخلاف مصر امروزی - در طول سال تنها یک محصول عمده به عمل می‌آمد. طغیانهای زیاد نیز می‌توانست بسیار ویرانگر باشد.

محصولات اصلی را غلات شامل شعیر ابلیس برای نان، و جو برای آبجو، تشکیل می‌داد. این غلات منبع اصلی غذا بودند و به آسانی می‌شد آنها را ذخیره کرد. دیگر گیاهان حیاتی عبارت بودند از کتان که برای تولیدات گوناگون از ریشمان تا ظریفترین پارچه به کار می‌رفت، و پاپیروس، گیاه مردابی که ممکن بود کشت شده یا به صورت وحشی گردآوری گردد. ریشه پاپیروس را می‌خوردند و ساقه آن برای ساختن بسیاری از اشیاء از قایق و بوریا گرفته تا وسیله نوشتن ویژه مصریها، با همان نام پاپیروس، به کار می‌رفت. این گیاه نیز از مواد صادراتی بود. افزون بر آن، انواع گوناگونی از میوه‌جات و سبزیجات کشت می‌شد. گوشت احشام در تغذیه اهمیت چندانی نداشت؛ اما پرندگان را در مردابها شکار می‌کردند و ماهی فراوانی از نیل صید می‌شد که پروتئین عمده حیوانی بیشتر مردم را تشکیل می‌داد.

نیل گذشته از آن که کشاورزی را امکان‌پذیر می‌ساخت، وسیله اصلی ارتباطی نیز بود. در خط مصری واژه مسافرت با علامت کشتیها نوشته می‌شد. بازارهای سنگین از راه رودخانه حمل می‌شد و آسانی حمل و نقل آبی به یکپارچگی کشور کمک می‌کرد؛ جغرافیای پیچیده

مصوب و دهانه‌های آن نیز موانعی را برای مهاجمان به وجود می‌آورد. سفر به درون صحرا یا آسیا به طور غیر قابل مقایسه‌ای مشکلتر از حرکت در داخل مصر بود. رود نیل، همچنین می‌توانست مردم را از هم جدا سازد. در پندار مصریها فقیر کسی بود که قایق نداشت، و خوشبخت آن کس که از یک سوی رودخانه به سوی دیگر گذر کند. مرگ در «سوی دیگر» رودخانه «بر زمین فرود می‌آید» و سفر به دنیای دیگر «گذر»ی بود از رودخانه.

شخصی فراغته سلسله‌های جدید، و کارهای ساختمانی و دیگر فعالیتهای دوران یونانی - رومی مورد استفاده قرار گرفت.

تشکیلات و باروری کشاورزی سیلابی این امکان را به وجود آورد که بسیاری در طول ماههای نسبتاً گرم تابستان به طور موقت از کار در مزارع رهایی یابند، و یا مردم را برای همیشه آزاد سازد تا به حرفه‌های تخصصی و برگزیده پردازند. با متلاشی شدن نظارت مرکزی، به ویژه

بخشی از نقش برجسته سنگی، نشان‌دهنده کلنگ تشریفاتی «عقرب» شاه (وی به علت وجود علامت عقربی نزدیک صورتش به این نام خوانده شده است). شاه در حال حاضر نخستین بی در یک جشن بنیانگذاری معبد. دوران ماقبل سلسله‌های قدیم (حدود ۳۰۰۰ ق. م)

▲ اوزیریس خدا، فرمانروای جهان زیرین، که در این نقاشی از مقبره سنجم در طیبوه تصویر شده است. عصای سرکج و تازیانه‌ای را که وی در دست دارد، بر پیوندهای کهن خدا با پادشاهی و شبانی اشاره می‌کند. تاریخ این مقبره به دوران پادشاهی ستهی اول (حدود ۱۲۹۰ - ۱۳۰۶ ق. م) می‌رسد (همچنین نگاه کنید به عکس ص ۲۴، پائین).

کنده کاری خدای قسوج سر، خنوم، از معبد کوچک در ابوسمبل. خنوم که حامی آبشار اول بود با حفره‌های زیرزمینی اساطیری خود که به عنوان منابع طغیان نیل به حساب می‌آمدند، به طور عمده در منطقه پیرامون الفانتین در مصر علیا پرستش می‌شد.

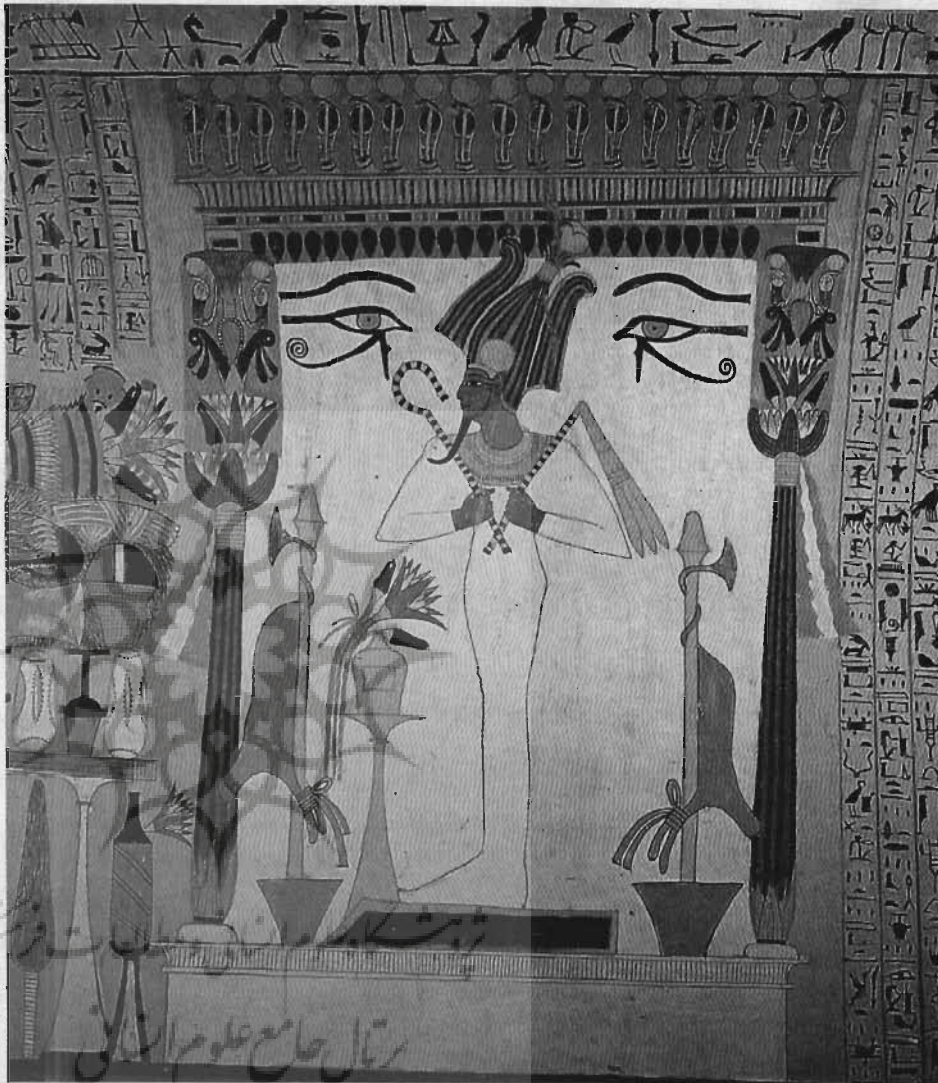


Foto Brian Brake © Rapho, Paris



Foto © Centro de Documentação do Cairo

تراکم جمعیت در مصر، که در اطراف نیل متمرکز بود، برای اتحاد سیاسی مساعد بود، زیرا عوامل بالقوه و بالفعل را برای بهره‌کشی از حاصلخیزی زمین و تعهد در برابر فرمانروایان فراهم می‌آورد. فرمانروایان از طریق مالکیت زمین، وضع مالیات بر محصول آن، اقدامات اداری در اطمینان‌یابی از کشت زمین، و کار اجباری، بر منابع کشاورزی نظارت داشتند. در ازای این نظارت مسئولیت انبار کردن و تدارک آذوقه برای سالهای کم محصولی بر عهده آنان بود. بنابراین، فرمانروایان بیشتر آنچه را که در جوامع کوچک از طریق تعاون انجام می‌شد، به عهده می‌گرفتند. سازمان مرکزی که در هزاره سوم ق. م توسعه یافت، نیروی کار منظمی را به وجود آورد که در ساختن یسادمناهای عظیم سلطنتی دو آرامگاههای برگزیدگان، ایجاد استحکامات و اهرام فراغته سلسله‌های میانی، بسط امپراتوری، ساختن معابد و آرامگاههای

در سه دوره فترت، بناهای یادمانی اندکی برپا گردید و توسعه سیاسی محدود شد، اما کشاورزی، که اساس قدرت و رونق اقتصادی بود، همچنان باقی ماند. پس از اتحاد دوباره، برنامه‌های یادمنا سازی و فرهنگ همگانی بار دیگر احیاء شد. با وجود این، نباید فراموش کرد که برای بیشتر مردم استفاده از کارگر، که ازدیاد محصول آن را امکان‌پذیر می‌ساخت، یک نفع شخصی نبود، بلکه فرمانروایان و نخبگان از آن سود می‌بردند. اگر بر اثر بی‌ثباتی سیاسی نمی‌بود، اقبال بسیاری از مردم در دورانه‌های فترت (ح ۲۰۴۰ - ۲۱۳۲ ق. م، ۱۵۳۲ - ۱۶۲۰ ق. م، ۷۱۲ - ۱۰۷۰ ق. م) می‌توانست به همان خوبی دوره‌های دیگر و یا حتی بهتر از آن باشد، اما در مصر باورها درباره شاه و کشور شاید در شیوه تفکر آنها مؤثر بوده است. رود نیل، که برای زندگی کشور بسیار اساسی بود، به

امکان پذیر می‌گردید، و «گرما» یا «برداشت»، زمانی که محصول برداشته می‌شد و آب در پایین‌ترین سطح بود. خدای عمده‌ای که با نیل نزدیکترین ارتباط را داشت، اوزیریس بود. در اسطوره، اوزیریس یکی از پادشاهان مصر بود که بر ساحل رودخانه به دست برادر خود سِت به قتل رسید و در تابوتی به آب انداخته شد. جسد او به قطعات فراوان بریده شد. سپس، خواهر و بیوه او ایزیس موفق شد بار دگر قطعات بدن را بهم پیوند داده و برای آستن شدن خود دوباره او را زنده کند و پس از مرگ وی پسری به نام هوروس به دنیا آورد. با وجود این، اوزیریس به این جهان باز نگشت و پادشاه جهان زیرین شد. مرگ و تجدید حیات اوزیریس با حاصلخیزی زمین مربوط بود. در جشنواره‌ای که در طول طغیان برگزار می‌شد، تندیسهای گلی مرطوب را همراه با جوی می‌کاشتند. جوانه زدن دانه‌های جو به معنی تجدید حیات زمین بود که طغیان آن را آورده بود. بنابراین، اوزیریس، رودخانه و زمین با ترکیب پیچیده‌ای از عقاید درباره حاصلخیزی و نوزایی ارتباط می‌یابند.

خدای مهم دیگری که با رود نیل ارتباط می‌یابد خنوم «خدای آبشار»، خدای قوچ شکل الفاتین در مرز جنوبی بود. خنوم یک خدای آفریدگار و حامی نقطه‌ای بود که در آنجا طغیان آب وارد مصر می‌شد. اگرچه این ارتباط اهمیت زیادی نداشت، مکمل یک آیین نیایش کهن محلی متعلق به الهه ساتیس بود، و در معبد او پیوند میان سوتیس و طغیان آب را جشن می‌گرفتند. با وجود این که طغیان رودخانه به مناطق پرجمعیت در بخشهای شمالیتر دیرتر می‌رسید، این پیوند در الفاتین مشاهده و ثبت می‌شد. شاید اهمیت اسامی نیل برای ما بیش از مصریان باستان مشهود باشد. زیرا این رودخانه آن چنان بر ایشان عادی بود که باران را در کشورهای دیگر «طغیان آب در آسمان» می‌خواندند. برای درک موقعیت رود نیل در دوران باستان، می‌بایست آن را با دیدگان مصریان باستان نگرست و روحانی و غیر روحانی، و الهی و انسانی را، آن گونه که در آن زمان متداول بود، از یکدیگر تمیز داد. مصریها بر خورد واقع‌گرایانه‌ای نسبت به این رودخانه داشتند، رودی که طغیان آن می‌توانست ویرانگر باشد، اما نیروی اخلاقی سودمندی در زندگی آنها بود. اما بیشتر خدایان موجودات پیچیده‌تری بودند که در خارج از دنیای عادی می‌زیستند. یونانیها و رومیها پس از ورود به مصر از نیل همانند دیگر رودخانه‌های دنیای خود خدایی ساختند.



Photo © Ashmolean Museum, Oxford

طغیان رود نیل با قربانیها و سرودها در جبل السبیلیا برستش می‌شد، جایی که تپه‌ها در شمال اسوان به رودخانه نزدیک می‌شدند و به احتمال یک مرز پیش از تاریخ بود. از جنبه‌های دیگر نیل و طغیان آن در مرکز جهان بینی مصری قرار داشتند. بر عکس بیشتر مردمان، جهت‌یابی مصریان به سمت جنوب بود که آب رودخانه از آنجا جاری می‌شد. بنابراین غرب در سمت راست آنان بود. در نتیجه راست طرف «خوب» برای گذر به جهان دیگر بود. سال و سالنامه به کمک نیل و ستارگان تعیین می‌شد. سال نو در اواسط نیمه دوم تیر ماه، به هنگام آغاز بالا آمدن آب رودخانه برای طغیان، آغاز می‌گردید: این زمان با پیدایش دوباره ستاره سیروس (کاروان کتس)، سوتیس مصری، در آسمان پس از هفتاد روز ناپدید شدن، مصادف بود. رود نیل تعیین کننده سه فصل چهار ماهه بود: «طغیان»، «پیدایش» (آبان تا اسفند)، هنگامی که زمین بار دیگر پدیدار و کشت

طور تعجب‌آوری در مذهب بی‌اهمیت بود. مصریها محیط خویش را به عنوان مرکز جهان امتیازی مسلم برای خود فرض می‌کردند. نیل نام ویژه‌ای نداشت، و صرفاً «رودخانه» خوانده می‌شد. خاستگاه واژه «نیل» شاید مصری نباشد. آورنده آب و حاصلخیزی نه رودخانه ایستا، بلکه طغیان آن بود، که هبئ نامیده می‌شد و به مقام خدایی نایل گردید. هبئ بنداری ذاتی از فراوانی بود، اما یک خدای عمده نبود. فراغت و فرمانروایان مقتدر محلی هر دو خویشان را در توفیق اقتصادی و تأمین آذوقه برای اتباع خود با هبئ همانند می‌کردند. سرودی در نیایش هبئ درباره طبیعت بخشنده طغیان آب رودخانه وجود دارد، اما او را، همچون ستایش دیگر خدایان، به خدایان دیگر منسوب نمی‌کنند. وی نه به صورت یک خدا، بل به شکل شخص فریبی تصویر شده است که برای خدایان محصول فراوانی می‌آورد. او معبدی نداشت، اما همه ساله در آغاز

جان پینس، اهل بریتانیا، از سال ۱۹۷۶ استاد مصرشناسی در دانشگاه آکسفورد بوده است. اطلس مصر باستان (۱۹۸۰) (با همکاری جارومیر ملک) که به زبانهای زیادی ترجمه شده است، تندیسهای بساروری (۱۹۸۵)، مطالعه‌ای درباره «شخصیت انسانی» طغیان رود نیل (هبئ) تألیف اوست. مقالاتی نیز در زمینه مذهب مصری، سلطنت و موضوعهای دیگر نوشته است. وی درباره مصر باستان در آفریقا، اروپا و ایالات متحده سخنرانی کرده است.